

علی فروتن، بازیگر تلویزیون و یکی از عموهای فیتیله‌ای، درباره چالش‌های ورود به عرصه هنر در گذشته گفت: ما، به همراه حمیدگل‌ی و دیگر دوستان، در دوره‌ای به هنر وارد شدیم که حضور در جریان‌های هنری بسیار دشوار بود. او به سیاست‌گذاری‌های تأثیرگذار بر روند کارهای هنری اشاره کرده و افزود که حتی با وجود امکانات محدود و خط قرمزها، تلاش کردند مسیرشان را ادامه دهند.

چالش‌های هنری در دوره‌های مختلف

[۱] شما بحث سطح و عمق را مطرح کردید. مادر ظاهر زندگی یک بلاگر را می‌بینیم که در قسمت‌های بعدتر، دردهای او را واضح‌تر درک می‌کنیم. در این میان انگار ما شاهد دو سبک خانواده هستیم. یکی نسترن است که تربیت متفاوتی دارد و خانواده برایش پررنگ است و یک طرف دیگر بلاگری که با نسترن متفاوت است. چرا نسترن این قدر محکم است و تأثیر نمی‌گیرد؟

نیلوفر هوشمند (بازیگر نقش نسترن): من احساس می‌کنم نقش نسترن در آن مقطعی که در حال آسیب است، از خودش فاصله می‌گیرد. نسترن حتی راضی نیست که عشقش را به خاطر پول با کسی قسمت کند اما وقتی مجبور می‌شود بین خداحافظی با کسی که دوست دارد و قسمت‌کردن او انتخاب کند، دیگر انگار از نسترن واقعی دور می‌شود. به همین خاطر حالش بد می‌شود و یک کلمه نمی‌تواند به بهروز بگوید «با خیال راحت برو کارت را انجام بده.» آنجاها نسترن از خودش فاصله گرفته و به او سخت می‌گذرد. در رسیدن به جزئیات باید از کارگردان و تهیه‌کننده تشکر کنم که شرایطی را در آرامش برای ما فراهم کردند تا بتوانیم کار را درست اجرا کنیم؛ البته تیم خوب فیلمبرداری و دیگر عوامل هم مؤثر بودند. در عین حال، مطالعه‌ای که برای فیلمنامه داشتیم، کمک‌م کرد حالات مختلف نسترن را به مخاطب نشان

دهم و ابتدا بذر آن را بکارم و بعد به مرور جزئیات آن را اجرا کنم.

معظمی: این تفاوت نسترن با بقیه کاراکترها، به هویت نسترن بازمی‌گردد. در واقع نسترن هویت خود را از خانواده گرفته و فضای مجازی برای اوارزشی جزییش بردن برخی کاره‌نا دارد. در واقع شخصیت آن به گونه‌ای شکل گرفته که فضای مجازی برایش جذابیت خاصی ندارد که بخواهد روی رفتارهایش تأثیر بگذارد. ما تمرین‌های بسیاری پیش از ضبط داشتم و روی نقش و قصه صحبت و تمرین داشتیم. اگر بازی‌باورپذیر شده، نتیجه تمرین و زحمات بچه‌هاست.

[۲] بحث شوهر اینستاگرامی معضل خیلی جدی در اینستاگرام برخی بلاگرهاست. خیلی وقت‌ها در فضای مجازی آن‌را می‌بینیم. آقای اینالویی شما در ابتدا یک بهروز ساده و از نشان می‌دهید که به مرور تبدیل به کاراکتر پناه می‌شود. انگار ناکامی‌های گذشته‌اش به یکباره سر برمی‌آورد و به پناه تبدیل می‌شود...

پیام اینالویی (بازیگر نقش بهروز): بهروز به نظرم خود من -یعنی پیام اینالویی- است. به نظرم همه آنهایی که در جهان زیست می‌کنند، در ما وجود دارند. کار من بازیگر، اکتشاف است. ممکن است من در زندگی واقعی، طمعکار نباشم اما نمی‌توان گفت طمع در وجودم نیست، یعنی بسته

وضی کند، آن شخص تازه به‌دوران رسیده است. بهروز است و به اقتضای قصه به سمت چیزهایی می‌رود به دست‌آورد.

جاری شاخه‌های تأثیرگذار بسیاری دارد. بسیاری بد شبکه‌های قاجاق و قمار هستیم که در این فضا تد. تابه‌حال به این مسأله پرداخته نشده بود و خیلی به‌واسطه جذب در این شبکه‌ها، هویت‌شان را از دست می‌خواستیم مشتقات فضای مجازی و آسیب‌های سب نشان دهیم. من معتقد نیستم که بلاگرها به یک می‌باشند؛ چون خیلی‌های‌شان سواد دانشگاهی یا دارند. وقتی بچه ۹-۱۰ ساله بلاگری می‌کند و والدین عده او کسب درآمد می‌کنند، دیگر هویتی برای این بچه

کودک و نوجوان:

سواد با اخلاق است

مسال‌ها داستان‌های او را از او به‌عنوان استاد رسانه

منوچهر فیض یار، از مدیران رسانه نیز گفت: از سخن لبریز و از گفتار خاموشیم ما. درباره محمد میرکیانی ما از بسیار سخن خاموشیم.

[۳] تجربه‌قصه‌های شیرین

علیرضا کاویان‌راد، تهیه‌کننده و کارگردان «قصه ما مثل شد» بیان کرد: قصه ما مثل شد شامل دو مجموعه ۴۲ قسمتی است که بعد از قصه‌های یک تجربه‌ای شیرین از قصه‌های استاد محمد میرکیانی بود. استاد با مخاطب ارتباط خوبی برقرار می‌کند و نویسنده‌ای با کلمات جادویی است و شخصیت‌هایی جذاب و باورپذیر خلق می‌کند. او کلمات را با دقت کنار هم قرار می‌دهد که همه آن‌را دوست دارند.

فروتن ادامه داد: در گذشته، نبود ابزارها و امکانات مدرن و همچنین دسترسی دشوار به اطلاعات، کارها را بسیار سخت‌تر می‌کرد. او معتقد است که در دوره کنونی، این امکانات فراهم شده و به هنرمندان کمک می‌کند. این بازیگر اظهار کرد: این سختی‌ها تلاش بیشتر افراد را می‌طلبد و ماندگاری در هنر را دشوارتر می‌کرد. امکانات تأثیر مثبتی بر رشد فرهنگ دارند و باید همواره بهبود شرایط

هنری و حمایت از هنرمندان مورد توجه قرار گیرد. فروتن گفت: این سختی‌ها افراد را به تلاش بیشتر و ماندگاری در عرصه هنر وادار می‌کرد. تنها کسانی که پرتلاش و پایدار بودند، موفق می‌شدند. این شرایط از یک‌سو انگیزه را افزایش می‌داد و از سوی دیگر می‌توانست برخی را ناامید کند. با این حال، امکانات همواره تأثیر مثبتی بر رشد و تعالی فرهنگ دارند.



به شرایط زیستم، آن را تقویت خواهم کرد. چیزی که من در مورد این کاراکتر دوست دارم نشان دادن همین نکته است که همه ما یک راز در پشت ذهن‌مان وجود دارد. شاید بهروز از

ابتدا دنبال فرصت بوده، یعنی می‌خواهم بگویم آنچه به آن فکر کردم، کشف این کاراکتر بود. من نسترن را دوست دارم اما پول را هم می‌خواهم. یعنی در مقابل پیشنهاد جذاب، دچار وادادگی می‌شوم. هر آدمی، به نظرم یک نقطه‌ای دارد که ایمان یا اصولش به چالش کشیده شود.



اینالویی: همه آنهایی که در جهان زیست می‌کنند، در ما وجود دارند. کار من بازیگر، اکتشاف است. ممکن است من در زندگی واقعی، طمعکار نباشم اما نمی‌توانم وجودم نیست

[۲] بهروز با جزئیات و عمیق است... اینالویی: بله. به نظرم پناه، همان راز پنهان در بهروز بود که به‌واسطه فرصت جدیدی که برایش پیش آمد، عیان شد. شاید اگر با نسترن ازدواج می‌کرد، خودش را این‌طور نشان می‌داد.

این را هم بگویم که بخش پیچیده برای من، مسأله بازی بود. اصلانی دانستم بازی این قدر جدی در برخی کافه‌ها دنبال می‌شود. برای خود من عجیب بود. کاری که کردم این بود که یک



[۳] میرکیانی بهترین‌ها را برای بچه‌ها می‌نویسد

داوود نماینده، مدیر دوبلاژ و گوینده پیشکسوت تصریح کرد: ارتباط با ذهن و روح بچه‌ها کار سختی است و محمد میرکیانی بهترین داستان‌ها را برای کودکان می‌نویسد. وی ادامه داد: زمانی که قرار شد داستان‌های او را بخوانم، بسیار خوشحال شدم. من پویانمایی‌های بینوایان، آرزوهای بزرگ و... را دوبله کرده‌ام، اما با هیچ داستانی به اندازه داستان‌های محمد میرکیانی نتوانستم با بچه‌ها ارتباط برقرار کنم.

[۴] مردم آثار میرکیانی را دوست دارند

مهدی شاملو، مدیر ایران‌سدا در این مراسم گفت: چند سال پیش با تهیه‌کنندگی عذراوکلی‌کاری ماندگاربانام «سرزمین نور» و این بار «سرزمین نینوا» را داشتیم و «قصه ما مثل شد» را هم کار کردیم. «دشت رموز» هم پیش از انتشار، رادیویی کردیم. این‌گنجینه را مدیون تلاش ایشان هستیم، مردم آثار میرکیانی را دوست دارند. ایشان خوب می‌نویسند و برای مخاطب احترام قائلند. دکتر برنا کاراگازا و غلو، استاد زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه آغلی ترکیه و مترجم آثار محمد میرکیانی به زبان ترکی استانبولی افزود: در دوران دانشجویی استادان ما کتاب

می‌خوانستند و من کتاب استاد محمد میرکیانی را ترجمه و ارائه دادم و استادم قبول کرد. سال‌ها بعد متوجه شدم او نویسنده‌ای پرکار است و راز این گونه نوشتن، عشق است. سبک نوشتن استاد میرکیانی برای همه قابل فهم است و مخاطب با فرهنگ ایران قدیم و ایران امروز آشنایی‌شود. محمد میرکیانی، نویسنده‌ای است که خود را وقف کودکان و نوجوانان کرد.

[۵] حمایت از جوانان

محسن حبیبی در این مراسم بیان کرد: حمایت‌هایی که محمد میرکیانی از جوانان داشتند، باعث رشد بسیاری از آنها شد و اکنون آنها تهیه‌کننده و مجری توانمندی در رسانه هستند. میرکیانی به جوانان اعتماد می‌کند و اعتقاد دارد مجریان باید با کودکان ارتباط مستقیم داشته باشند. او فردی توانمند در حوزه‌های مختلف نویسندگی، مدیریتی، روزنامه‌نگاری و... است و حضور او در رسانه برای ارتباط رسانه با کودک و نوجوان بسیار موثر است. علیرضا تابان، از گویندگان رادیو هم ضمن خواندن متنی از داستان‌های میرکیانی گفت: محمد میرکیانی، عصاره همه دانشه‌های رادیویی است و هر چه از او بگوئیم، کم‌گفتیم. آن‌شاء... برای همه ما مانا باشد.



[۶] چهره

بهروز رضوی از چهره‌های ماندگار رادیوست که از عشق خود به کار گفته است

روایتی از عشق به ادبیات و رادیو

بهروز رضوی صدای ماندگار کشورمان در یک گفت‌وگو، عنوان کرد: ادبیات عشق اول زندگی‌ام و رادیو عشق دوم من است؛ چون به هر حال این دو مقوله کاری نیست که بی‌عشق بتوان انجام داد. اگر با عشق باشد خوب از آب درمی‌آید وگرنه، باری به هر جهت و انجام وظیفه باشد، بی‌معنا خواهد بود. من علاقه‌مندانه هر دو کار را انجام می‌دهم و خوشحالم این ۴۰ سال به هر دو مقوله پرداختم.



بی‌عشق بتوان انجام داد. اگر با عشق باشد خوب از آب درمی‌آید وگرنه، باری به هر جهت و انجام وظیفه باشد، بی‌معنا خواهد بود. من علاقه‌مندانه هر دو کار را انجام می‌دهم و خوشحالم این ۴۰ سال به هر دو مقوله پرداختم.

این گوینده رادیو در پاسخ به این‌که با رفتن چه کسی از دنیای ادبیات بیش از همه ناراحت شده است؟ می‌گوید: با رفتن جلال آل‌احمد خیلی ناراحت شدم. هر کدام از عزیزانی که از دست دادیم در زمان خودش به حد کافی من را ناراحت کردند. با کمال افتخار آثار آقای دکتر رضا برهنی را خواندم و همچنان علاقه‌مندانه اگر موردی پیش بیاید حتما قرائت خواهم کرد. آقای حسین منزوی که از دوستان بسیار نزدیک من هم بودند و در روزگار حیات‌شان سنوات زیادی را باهم گذراندمی و اوقات و خاطرات بسیاری را از ایشان دارم، یادش بخیر و خدا رحمت‌شان کند. آقای هوشنگ ابتهاج هم که جای خود دارد، ایشان استاد، پیشکسوت و مشوق ما بودند.

رضوی در پاسخ به این‌که علاقه دارد شعر کدام یک از شعرای معاصر با صدایش شنیده شود؟ می‌گوید: طبق معمول حسین منزوی؛ چون دوست و شاعر مورد علاقه من است. طبیعتاً آثارش را دوست دارم و هر جا مناسبتی پیش آمده حتماً از شعرهای او قرائت کردم. رضوی در ادامه درباره قرائت ترجمه فارسی قرآن کریم که با صدای او روایت شده است، می‌گوید: افتخار این را داشتم که ترجمه تمام قرآن را قرائت کنم؛ ترجمه آقای مسعود ریایی که به نظر من فارسی‌ترین ترجمه است را انتخاب کردیم. البته ترجمه‌های دیگر هم در جای خود ارزشمند هستند اما این ترجمه خیلی فارسی است و تمام متن قرآن را با این ترجمه قرائت کردم.

این گوینده قدیمی رادیو در پاسخ به این‌که چقدر ترجمه فارسی قرآن در اشاعه فرهنگی دینی به نسل جوان می‌تواند تأثیرگذار باشد؟ می‌گوید: خیلی تأثیرگذار است و می‌تواند به اشاعه درست معانی کمک کند. این کار برای من افتخاری بزرگ و کار ارزشمندی بود و زمانی‌که از من برای قرائت متن قرآن کریم دعوت شد با کمال میل و افتخار پذیرفتم و از بای بسم... تا تایی تمت این کار را از جان و دل ادامه دادم.

رضوی که «مستند ایران» به کارگردانی زنده‌یاد حمید مجتهدی را هم از سال‌های دور گویندگی کرده است، با یادی از این کارگردان فقید که در حوزه فیلمبرداری هوایی عنوانی جهانی داشت، چنین اظهار می‌کند: مستند ایران در جای خودش عرق ملی میهنی من را ارضا کرد. چون تمام ولایت‌های ایران و تمام شهرستان‌های ایران در این مستند معرفی شد و افتخار کمی نیست برای یک گوینده که با نام همه نقاط ایران آشنا شود. گویی که برنام‌همه شهرستان‌ها بوسه می‌زنی و من به این کار مفتخر بودم.

او در پاسخ به این‌که آیا در روایت این مستند بر اساس خطه‌های مختلف کشور، نوع قرائتش را هم متفاوت کرده است؟ خاطرنشان می‌کند: روایت من در این مستند یکدست بود و باید این یکدستی رعایت می‌شد. همه را یکدست خواندم اما به هر حال با ولایات و شهرهای مختلف عواطف گوناگونی می‌جنبند و بر اساس همین عواطف شهرهای ایران را روایت می‌کردم گویی که نام‌شان را می‌بوسیدم و بیان می‌کردم و این برای یک گوینده افتخار بزرگی است.

رضوی درباره نگاهش به هوش مصنوعی هم تأکید می‌کند که این روزها دغدغه برخی گویندگان و دوبلورها شده و در پاسخ به این‌که اگر روزی متوجه شود از صدایش استفاده شده، چه واکنشی خواهد داشت؟ چنین می‌گوید: متأسفانه این اتفاق در مورد صدای من هم صورت گرفته که خیلی رضایت‌بخش نیست و نباید این کار را بکنند. آن صدایی که با هوش مصنوعی ساخته می‌شود آن حسی که باید داشته باشد را ندارد و فقط صداست و اگر آن عبارات را قرار بود خودم بگویم حتماً به صورت بهتری می‌گفتم و من هم اصلاً به استفاده صدایم در هوش مصنوعی رضایت ندارم ولی چه کاری می‌شود کرد وقتی استفاده می‌شود؟

بیدی:

بهم است شخصیت ست که پشت سر او به تعالی این جذاب های نایه های ی از فریبا را نار هم ن سریال بینیم